خبر

جای این بانوی هنرمند پر نمی‌شود

تاکنون بازیگران بسیاری در خصوص کارهای پروانه معصومی صحبت کرده و خاطرات خود از این هنرمند را تعریف کرده‌اند. ازجمله این بازیگران که در مراسم یادبود پروانه معصومی هم شرکت کرده بود، افشین نخعی است که او را به‌عنوان بازیگر تلویزیون می‌شناسیم. نخعی با گرامیداشت یاد پروانه معصومی و افسوس برای ازدست‌دادن این هنرمند به خبرنگار «جام‌جم» این‌طور گفت: خانم معصومی از بزرگان سینما و تلویزیون بودند. هرگز جای‌شان پر نمی‌شود. بازیگر توانمندی بودند که من افتخار داشتم در چند کار همراه ایشان باشم. خیلی از ایشان آموختم و متاسف هستم که در چند سال اخیر از او بی‌خبر بودم. خیلی ناراحتم و احساس می‌کنم آدم بزرگی را از دست دادیم.

وی با اشاره به توانمندی‌های مرحومه معصومی، عنوان کرد: ایشان به زبان فرانسه و انگلیسی مسلط بودند. ما یک سریالی در انگلستان با هم کار می‌کردیم به‌نام «وعده دیدار» که از توانایی ایشان بسیار استفاده می‌کردیم. او بسیار منظم بود و معمولا تک‌برداشت در کارهای‌شان بودند. یعنی پلان‌ها به برداشت دوم نمی‌رسید. آدم بزرگی را از دست دادیم که خیلی از این نظر متاسفم. نخعی تاکنون در سریال‌هایی همچون بچه‌مهندس، صبح آخرین روز، خداداد، گسل، کشیک قلب، تا صبح و پرونده‌های مجهول نقش‌آفرینی کرده است.

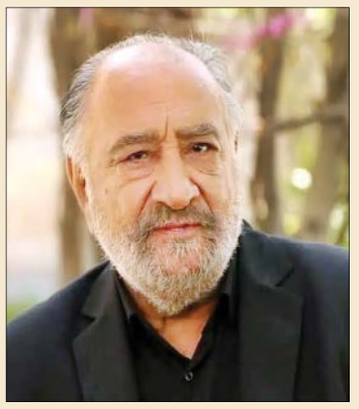


یادمان

پرونده «جام‌جم» در بزرگداشت خاتون سینما و تلویزیون ایران

پرواز پروانه به ملکوت

سپیده اشرفی نوشین مجلسی
گروه رسانه



چهره‌اش درست مثل مادری بود که ابتدای کوچه ایستاده تا انتظار فرزندش را بکشد. پروانه معصومی با همین مادرانگی‌هایش توانست به یک چهره مادرانه همیشگی تلویزیون تبدیل شود. از مادر یونس در پلیس جوان تا گیلسوی در کنار پروانه‌ها، هر طرف را که نگاه کنی، مادرانه‌های پروانه معصومی را می‌توان دید که با همان نگاه نگران، آینده فرزندش را انتظار می‌کشد. او در سریال امام علی(ع)، در قامت هاجر همسر مالک اشتر بود و در یوسف پیامبر هم نقش بانو تیه همسر آمنهوتپ سوم را بازی می‌کرد. این بازیگر از هنرمندانی بود که به موج فیلم فارسی تن نداد و ارزش‌های انسانی برایش اولویت داشت. در خیلی از نقش‌ها توانست فرو ریختن و بحران‌های یک مادر و زن ایرانی را به درستی نشان دهد و این جز با هنر بازیگری او ممکن نبود. زمانی که در قامت همسر مالک اشتر بازی می‌کرد و پایش آسیب دیده بود اما این باعث نشد از نمایش صحنه سوگ این زن برای همسرش باز بماند. با همان پا و به قول خودش از درد، دوید و گریست و این صحنه را در تلویزیون ماندگار کرد. صبوری معصومی در بازیگری، در آخرین بازی تلویزیونی او یعنی در کنار پروانه‌ها هم دیده می‌شود. خیلی از هنرمندان در رثای او گفته بودند که نقش‌آفرینی در کنار او به آنها کمک کرده بود تجربه‌های بیشتری کسب کنند. البته او برای آموزش و انتقال تجربیاتش به نسل جوان هم سخاوت داشت و تلاش می‌کرد با همان منش هنرمند دلسوز و پیشکسوت، با نسل جوان برخورد کند. معصومی انگار در نقش گیلسو و سوگی که در آن خطه سبز داشت، خودش را بازی می‌کرد که دل نگران جوانش بود و ناراحتی قلبی پسرش، قلب خودش را هم به درد آورده بود. معصومی این اواخر در همان خطه سرسبز شمال زندگی می‌کرد و انگار در نقش گیلسو مانده بود. نوشتار پیش رو، یادنامه او در گفت‌وگو با همکاران وی از جمله داریوش ارجمند و بهروز مفید مروری بر آثارش داشتیم.

بازی‌های واقعی یک زن دلاور

داریوش ارجمند بازیگری است که در کارهای بسیاری با مرحوم پروانه معصومی همراه بوده و نقش مقابل او را بازی کرده است. ارجمند کمی قبل گفته بود که کم لطفی در حق این مرحوم شده بود و امیدوار است به‌واسطه رفتار خوبش، در آن دنیا از مزایای رفتارش برخوردار شود. به گفته او، امثال خانم معصومی همیشه زنده‌اند. او که در کارهایی مثل ناخدا خورشید، امام علی(ع)، مسافر ری و راز پنهان با مرحوم پروانه معصومی همکاری داشت معتقد است با یک بازیگر توانمند و حرفه‌ای مواجه بوده است.

ارجمند در خصوص تعریفی که از شخصیت این بازیگر توانمند دارد، به جام جم می‌گوید: من کارهای مشترک زیادی با مرحوم پروانه معصومی داشتم. همیشه در کارهایی که با او داشتم، می‌دیدم چقدر وقت‌شناس، مهربان، مودب و نجیب بود. او بسیار مهربان بود. کارش را خیلی دوست داشت و در حد توانش برای این کار تلاش می‌کرد.

وی ادامه می‌دهد: پروانه معصومی از فیلم ناخدا خورشید در نقش زن من تا کارهای دیگر که نقش مقابل و همراه مرا بازی می‌کرد می‌دیدم که چقدر توانمند است و اصلا در کار بازیگری ادا در نمی‌آورد. یعنی حتی در کار و ایفای نقشش، صداسازی نمی‌کرد و در واقع خودش بود. این خیلی امتیاز بزرگی است که بر اساس درونیات خودش کارها و نقش را به نمایش می‌گذاشت.

اما ارجمند پیش از این جمله‌ای درباره زنان ایرانی گفته و آنها را مظلوم دانسته بود. وقتی از او می‌پرسیم که آیا این مظلوم بودن درباره خود مرحوم معصومی هم صدق می‌کند یا خیر، این‌طور بیان می‌کند: جمله‌ای که من گفتم عمومی و کلی بود. اما به نظرم مرحوم معصومی مظلوم نبود بلکه زن دلاوری بود. این اواخر به شمال رفته بود، حتی پشت تراکتور می‌نشست و رئیس بخشی از کشاورزان شمال بود. چنین شخصیتی داشت. حتی خانه‌اش محل رتق و فتق امور روستاییان آنجا بود. به هر حال اینها امتیازات شخصیت مرحوم پروانه معصومی بود. آرزو می‌کنم روحش شاد باشد و خداوند او را در جایگاه بزرگی قرار دهد.

ارجمند درباره خاطره خود با مرحوم معصومی در سریال امام علی(ع) عنوان می‌کند: من درگیر نقش خودم در این سریال بودم اما وقتی او را می‌دیدم، احساس می‌کردم واکنشش به کشته شدن مالک‌اشتر و حرکت کردنش برای عزاداری، بسیار دقیق و تاثربرانگیز بود و توانست آن نقش را به درستی ایفا کند.

ایفای نقش به حرمت قرآن



بهروز مفید از تهیه‌کنندگان باتجربه تلویزیون که سابقه همکاری با زنده‌یاد معصومی را دارد در گفت‌وگو با جام‌جم درباره او بیان می‌کند: من این توفیق را داشتم که در دو سال گذشته به واسطه سریال در کنار پروانه‌ها که برای ماه محرم آماده می‌شد، با خانم معصومی همکاری داشته باشم. این همکاری در اوج شدت گرفتن کرونا بود که خیلی از هنرمندان از کار کردن خودداری می‌کردند.

مفید ادامه می‌دهد: خانم معصومی مدتی بود که در شمال کشور زندگی می‌کرد و وقتی سراغش رفتیم، گفت مدتی است توانایی کار ندارد اما وقتی متوجه شد این کار به مناسبت ماه محرم و در عین حال بحث قرآنی در آن مطرح است، پذیرفت و به قول خودش به خاطر دلش در این کار بازی کرد.

این تهیه‌کننده می‌افزاید: کهولت سن و نیز اوج گرفتن بیماری کرونا باعث شد همه فضا را برای ایشان ایزوله کنیم زیرا خسرو شهراز، بازیگر مقابل ایشان هم کرونا گرفته بود و ما در بیمارستان هم کار می‌کردیم. وی همچنین می‌گوید: به حرمت این کار با این‌که چند نفر در این پروژه کرونا گرفتند، اما سر کار می‌آمد و اجازه نمی‌داد کار متوقف شود.

پرونده‌ای کوچک برای بازیگری بزرگ

به نام مردم، ب

همه حرف‌هایم را



علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده
عضو شورای سردبیری



پروانه معصومی با نیم‌قرن حضور در سینما و تلویزیون، خاطرات ماندگاری برای مخاطبان ایرانی ساخت. او در عرصه حرفه‌ای نیز دو بار جایزه بهترین بازیگر را از جشنواره فیلم فجر به دست آورده و سال ۸۱ هم در جشن خانه سینما جایزه ویژه هیات‌مدیره را از آن خود کرد. معصومی در سال‌های فعالیتش پیرامون زندگی هنری خود با مطبوعات به گفت‌وگو ننشسته بود اما به بهانه همان جایزه جشن سینما با رویی باز دعوت مرا برای یک گفت‌وگو و مرور بر زندگی حرفه‌ای‌اش پذیرفت. حالا او رفته ولی بازخوانی این گفت‌وگو خالی از لطف نیست با این حسرت که کاش هفته‌نامه خاطره‌انگیز «سینما» در قید حیات بود و این گفت‌وگو در مرجع اصلی بازنشر می‌شد اما حالا در اندوه فقدان هردو، متن گفت‌وگو پیش روی شماست. معصومی با تمام مشکلاتی که داشت، پس از بازی در یک سکانس پرتنش از مجموعه پلیس جوان، شتاب‌زده خود را به قرار گفت‌وگو رساند تا خلف وعده نکرده باشد. او انسانی مثال‌زدنی و بازیگری حرفه‌ای به معنی واقعی کلمه بود که گویی به نام مردم و برای تاریخ خلق اثر می‌کرد. یادش گرامی

دوست دارید از کدام فصل زندگی و فعالیت‌تان شروع کنیم؟

فرقی نمی‌کند، البته شاید از ابتدا بهتر باشد.

پس از اول اول شروع می‌کنیم؛ چه سالی و در کجا متولد شدید؟

۱۳۲۳ در خیابان دانشگاه، چهارراه دانشگاه تهران

در چگونه خانواده‌ای؟

در یک خانواده مذهبی. پدرم مومن مدرنی بود، به طوری که بعد از دیپلم (۱۹۶۶) برای ادامه تحصیل مرا به آلمان فرستاد، من چهار خواهر و دو برادر هم دارم.

رابطه این خانواده با فعالیت‌های هنری چطور بود؟

پدرم کرد بود، یادم می‌آید بعد از اکران فیلم رگبار، فامیلش نامه‌ای نوشتند به این مضمون؛ یا تو جلوی دخترت را بگیر یا اگر نمی‌توانی ما این کار را انجام بدهیم. به همین خاطر من به پدرم قول دادم، هرگز کاری نکنم که موجب سرشکستگی ایشان شوم و مطمئنم که به قولم وفا کرده‌ام.

البته منظور من قبل از ورود شما به سینما بود.

یادم می‌آید اولین کتابی که به من هدیه شد، از طرف پدرم بود. ایشان سعی می‌کردند به نوعی خانواده را با مطالعه مانوس کنند. جالب است بدانید پدرم به فراخور سن هریک از بچه‌هایش، برای‌شان مجله می‌خرید.

برای شما چه مجله‌ای می‌خرید؟

فکر می‌کنم مجله «روشنفکر».

در چه سنی این مجله را برای‌تان می‌خرید؟

فکر می‌کنم دوم دبستان بودم. در ضمن ما عادت داشتیم قبل از خواب به قصه‌های پدرم گوش بدهیم و ایشان تبحر ویژه‌ای در قصه‌گویی داشتند.

چه داستان‌هایی برای‌تان تعریف می‌کرد؟

یادم هست از کتاب هزار و یک شب قصه می‌خواند.

پیش از شما فرد دیگری هم در خانواده بود که فعالیت هنری داشته باشد؟

نه، هیچ‌کدام فعالیت جدی هنری نداشتند، ولی هرکدام به نوعی علاقه هنری داشتند. یکی از برادرها در ساخت کارهای دستی یک آرتیست واقعی بود. خود من بیشتر به مطالعه علاقه داشتم، گاهی هم می‌نوشتم، یکی دیگر از خواهرها هم خوب می‌نوشت، خواهر دیگرم پزشکی می‌خواند و خواهری هم ازدواج کرده بود و خانه‌داری می‌کرد. به نظر من خانمی که زندگی‌اش را اداره می‌کند، مسیر زیستن را بلد است و به نوعی هنرمند است.

به خاطر دارید اولین فعالیت هنری خود را کجا آغاز کردید؟

در آلمان. من دانشجو بودم که با آقای معصومی آشنا شدم، اولین تجربه بازیگری من هم مقابل دوربین عکاسی ایشان بود.

در چه رشته‌ای درس می‌خواندید؟

علوم سیاسی که البته بعد از ازدواج با آقای معصومی آن را نیمه‌کاره رها کردم. یک دوره گریموری را گذراندم و به اتفاق همسرم به ایران بازگشتم.

آن زمان سینما می‌رفتید یا اصلا به فیلم دیدن علاقه‌مند بودید؟

فیلم‌های ایرانی را نمی‌دیدم اما فیلم‌های کلاسیک تاریخ سینما را تماشا می‌کردم.

اولین حضورتان در مقابل دوربین سینما فیلم بیتا (۱۳۵۱) بود. چطور بازی در این فیلم را قبول کردید؟

همسرم از من یک عکس تبلیغاتی گرفته بود، برای تبلیغ سرویس هوایی GOAC که صبح به

نه بازیگر حرفه‌ای بودم و نه از این طریق ارتزاق می‌کردم آن قدر هم عاشق سینما نبودم که اگر جلوی دوربین ظاهر نشوم دق کنم

گپ

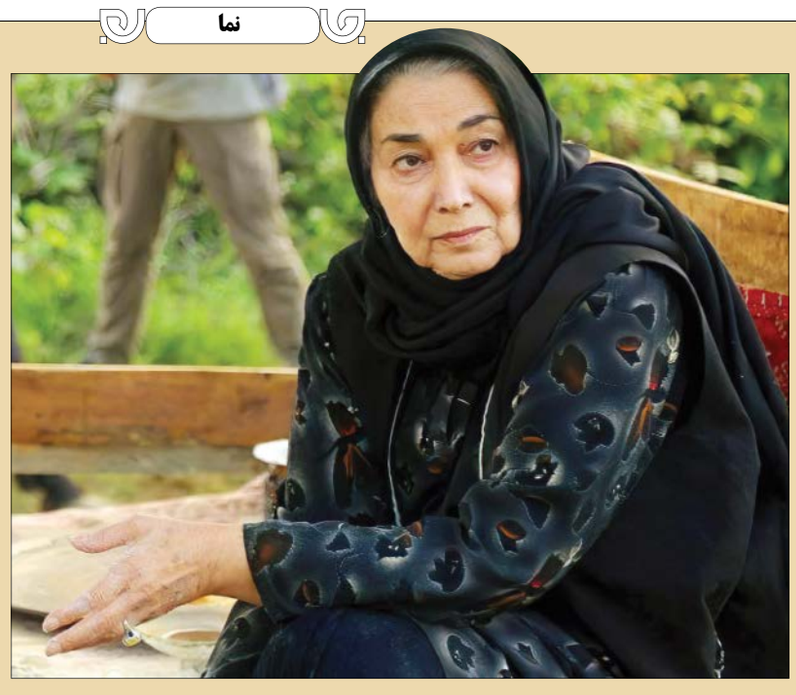
یک نقش تاریخی لذت‌بخش

پروانه معصومی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون درباره حضور خود در سریال ماندگار امام علی(ع) در مصاحبه‌ای گفته بود: بازی در مجموعه تلویزیونی امام علی(ع) برایم اصلا سخت که نبود هیچ، بلکه لذتبخش هم بود. یک روز داوود میرباقری برای حضور در این مجموعه از من دعوت کرد و زمانی ایفای نقشم در این مجموعه آغاز شد که همه سکانس‌های این مجموعه ضبط شده بود و در ادامه صحنه‌های مربوط به من فیلمبرداری شد. ضبط همین سکانس‌ها ده روز طول کشید. کار با داوود میرباقری و دیگر عوامل مجموعه تلویزیونی امام علی(ع) برایم فوق‌العاده لذتبخش بود و همه چیز در آن برهه خوب پیش رفت. این بازیگر سینما در خصوص این‌که آیا برای ایفای نقش در قالب شخصیت هاجر همسر مالک اشتر مطالعه زیادی کرده است، اظهار کرد: برای ایفای نقش هاجر خیلی مطالعه نکردم و شاید بهتر است بگویم ۸۰ درصد ماجرای زندگی هاجر را داوود میرباقری برایم گفت که برای ایفای این نقش بسیار به من کمک کرد. معصومی درباره ویژگی کار با داریوش ارجمند هم تصریح کرد: سریال امام علی(ع) اولین تجربه همکاری من با داریوش ارجمند نبود زیرا ما در گذشته در فیلم سینمایی ناخدا خورشید هم تجربه همکاری داشتیم و به همین دلیل توانستیم به خوبی از پس نقش هاجر و مالک اشتر بر بیاییم.

بازیگر سریال امام علی(ع) ادامه داد: نیروی مثبتی که ما در سریال امام علی(ع) داشتیم را می‌توان از کیفیت بازی بازیگران و به طور کل خروجی این مجموعه احساس کرد. چون نه فقط بازیگران این مجموعه که همه عوامل ساخت سریال امام علی(ع) با عشق به این حضرت کار و تلاش کردند. پس بهتر است بگوییم همه با نیت قلبی و اعتقاد به امام علی(ع) برای این مجموعه آمده بودند. معصومی در خصوص اعتقاد قلبی خود به امام علی(ع) خاطر نشان کرد: فکر می‌کنم همه مانند من به حضرت علی(ع) اعتقاد خیلی زیاد داریم این یک واقعیت است که هر جایی انسان در کاری می‌ماند با گفتن یا علی درها به رویش باز می‌شود.

زنده‌یاد معصومی سال‌ها پیش در مصاحبه دیگری درباره یکی از مهم‌ترین نقش‌های کارنامه کاری‌اش، گل‌های داوودی بیان کرد: وقتی فیلمنامه گل‌های داوودی را خواندم از آن خوشم آمد. نواقصی در فیلمنامه وجود داشت که قرار شد برطرف شود و یک مقدار هم مشکل گریم داشتیم، چون حتما چهره من باید کمی پیرتر می‌شد تا داشتن پسری هم‌سن آقای امکانیان به چهره‌ام بخورد. خوشبختانه با آقای صدرعاملی می‌توانستم کنار بیایم؛ مثلا صحنه‌ای بود که باید به زندان می‌رفتم و خبر مرگ شوهرم را می‌شنیدم. در فیلمنامه نوشته بود زن جیغ می‌کشد و خودش را به زمین می‌اندازد و توی سرش می‌زند و کارهایی می‌کند که به نظر من در شخصیت آن زن نبود. زنی که ۲۲ سال بچه‌اش را بی‌سر و صدا بزرگ کرده و همیشه انتظار شوهرش را کشیده این کارها به او نمی‌خورد. گفتم این جوری نمی‌توانم. اتفاقا نویسنده فیلمنامه هم در آنجا حضور داشت که من ایشان را نمی‌شناختم. آقای صدرعاملی گفت، شما چطور می‌بینید؟ گفتم من این زن را چنین می‌بینم که سکوت محض کند و از درون تخریب شود.

نما



پروانه‌ای در میان پروانه‌ها

سریال در کنار پروانه‌ها درست مثل زندگی خود مرحوم پروانه معصومی، پر از رنگ و لعاب سرحال و سرسبز بود؛ سریالی که او را در قامت یک مادر ساکن در روستای شمال کشور نشان می‌دهد. داستان سریال «در کنار پروانه‌ها» از آنجا شروع می‌شود که مشکلاتی پی‌درپی، «رهی» را که از بیماری حاد قلبی در رنج است به جوانی ناامید تبدیل کرده است. او برای نجات تنها دلخوشی زندگی خود یعنی خواهرش، طعمه نقشه‌ای می‌شود.

کیوآرکد را اسکن کنید

رخ

مادر یک پلیس



مگر می‌شود از پروانه معصومی حرف زد و به یاد نقشش در سریال پلیس جوان نیفتاد. او علاقه‌مند بود همیشه نقش مادران متفاوت را بازی کند، از همین رو سعی می‌کرد نقش‌هایش را با وسواس و حساسیت بیشتری انتخاب کند. وقتی قرار شد در سریال پلیس جوان بازی کند، با مادری کنجکاو روبه‌رو شد که برخی مواقع کنجکاوی‌اش بیش از اندازه بود؛ بنابراین از سیروس مقدم خواست کنجکاوی این زن را کم کند؛ چرا که به سمت خاله‌زنک رفتن می‌رود. کارگردان هم حرف پروانه معصومی را زمین نمی‌گذارد و سعی می‌کند نقش مادر پلیس جوان را تغییر بدهد تا همانی شود که او می‌خواهد. او در مستند پرتره‌ای که از او تهیه شده است، به این موضوع اشاره می‌کند. در مجموع این هنرمند سعی می‌کرد ویژگی‌های متفاوتی به نقش‌هایی که بازی می‌کند، بدهد و آنها را برای مخاطبان جذاب و قابل لمس کند تا مورد توجه مخاطبان قرار بگیرد. به همین دلیل جزو هنرمندان مردمی بود و همیشه مردم او را دوست داشتند و علاقه‌مند بودند آثارش را در تلویزیون و روی پرده سینما ببینند. پلیس جوان را باید از کارهای ماندگار مرحوم معصومی دانست که مثل بیشتر کارهایی که در کارنامه خود داشت، درخشش بی‌نظیری را رقم زد.

درنگ

خاتون همیشه ماندگار



شادروان پروانه معصومی برایش طول و عرض نقش اهمیت نداشت، آنچه برایش مهم بود این بود که چطور نقشش را باورپذیر درآورد تا مخاطب با آن همذات‌پنداری کند و بدون تردید یکی از نقش‌های برجسته‌اش، خاتون در فیلم سینمایی ناخدا خورشید است که همیشه دل‌نگران ناخدا بود. در این فیلم شاهد بازی درخشان داریوش ارجمند و زنده یاد پروانه معصومی هستیم. از دیگر ویژگی‌های قابل تامل در شادروان این بود که می‌خواست در این اثر سینمایی به زیبایی تصویرگر یک زن از خطه جنوب باشد، زنی که رنج دیده بود. بازی مرحوم معصومی در این سریال، یکی دیگر از کارهایی بود که در کنار بازیگری مثل داریوش ارجمند ماندگار شد و ناخدا خورشید را برای همیشه تبدیل به یک کار ماندگار مثل دیگر کارهای این بازیگر توانمند کرد.

داستان این فیلم مربوط به یکی از بزرگان شهر به نام «خواجه ماجد» است که ناخدا خورشید را لو می‌دهد و بار قاچاق لنج ناخدا خورشید به آتش کشیده می‌شود.